

Submit Date: 23 September 2025  
Revise Date: 17 February 2026  
Accept Date: 23 February 2026  
Initial Publish: 24 February 2026  
Final Publish: 23 October 2026

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## Examination of the Grounds and Instances of Civil Liability Arising from Breach of Professional Duties by Psychological Counselors

Mohammad Hassan Asadi\*<sup>1</sup>, Seyed Ahmad Ali Hashemi<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Law, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

\* Corresponding Author's Email: m.asadi@basu.ac.ir

### ABSTRACT

The increasing use of counseling services, particularly psychological counseling, at various levels of society on the one hand, and the irreparable harms that may be inflicted upon clients through counseling practices on the other hand, highlight the significance of harmful counseling as one of the grounds of civil liability. The high level of vulnerability of patients in relation to counselors, together with their limited capacity for sensitive decision-making, further intensifies the professional sensitivity of this occupation. For effective treatment, counselors must create an environment characterized by intimacy, empathy, and mutual understanding in which the client fully trusts the counselor; consequently, the client perceives themselves as the recipient of assistance and the counselor as the provider of support. The counselor's professional influence and authority, combined with the client's sincere trust, may facilitate the client's recovery. However, recommendations and therapeutic strategies offered outside the counselor's field of professional competence, or those influenced by personal preferences, emotional inclinations, personal experiences, or failure to comply with professional psychological standards and regulations, may give rise to civil liability. It is therefore necessary to determine which forms of professional negligence result in harm to clients and what constitutes the instances of damages inflicted upon individuals. The central research question concerns the conditions under which civil liability is established for counselors. Accordingly, this study examines the constituent elements and grounds of civil liability through an analysis of the professional obligations and duties of psychological counselors.

**Keywords:** *Counseling, Harmful Counseling, Counselor, Professional Negligence, Civil Liability.*



تاریخ ارسال: ۱ مهر ۱۴۰۴  
 تاریخ بازنگری: ۲۸ بهمن ۱۴۰۴  
 تاریخ پذیرش: ۴ اسفند ۱۴۰۴  
 تاریخ چاپ اولیه: ۵ اسفند ۱۴۰۴  
 تاریخ چاپ نهایی: ۱ آبان ۱۴۰۵

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

# بررسی موجبات و مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از وظایف حرفه‌ای مشاوران روانشناس

محمد حسن اسدی<sup>۱\*</sup>، سیداحمدعلی هاشمی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: m.asadi@basu.ac.ir

### چکیده

استفاده روزافزون از خدمات مشاوره خصوصاً مشاوره روانشناسی در سطوح مختلف جامعه از یک سو و آسیب‌های جبران ناپذیری که ممکن است از طریق مشاوره به مراجعه کنندگان وارد شود از سوی دیگر، اهمیت مشاوره‌های زیانبار را به عنوان یکی از موجبات مسئولیت مدنی آشکار می‌سازد. آسیب پذیری شدید بیماران در مقابل مشاوران و ناتوانی در تصمیم‌گیری حساسیت این شغل را بیشتر می‌کند. مشاوران برای درمان موثر باید محیطی مملو از صمیمیت، همدلی و درک متقابل ایجاد کنند که در آن بیمار کاملاً به مشاور اعتماد کند و بنابراین خود را دریافت کننده کمک و مشاور را کمک کننده ببیند و این تأثیر و اقتدار مشاور از یک سو و اعتماد خالصانه از طرفی بیمار بتواند به بیمار کمک کند تا به بهبودی برسد. توصیه‌ها و راهکارهایی که مشاوران خارج از حوزه تخصصی و حرفه‌ای خود و تحت تأثیر سلیقه‌های شخصی، تمایلات عاطفی، تجربیات شخصی، عدم رعایت موازین و مقررات حرفه روانشناسی انجام می‌دهند می‌تواند موجب مسئولیت مدنی گردد. باید دید چه تقصیراتی موجب آسیب به مراجعه کنندگان می‌شود و مصادیق زیان‌های وارده به افراد چیست؟ سوال پژوهش این است که با احراز چه شرایطی برای مشاوران مسئولیت مدنی ایجاد می‌شود. در واقع این پژوهش با تبیین ارکان و موجبات مسئولیت مدنی، تعهدات و تکالیف حرفه‌ای مشاوران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**کلیدواژگان:** مشاوره، زیان آور، مشاور، تقصیر شغلی، مسئولیت مدنی

نحوه استناددهی: اسدی، محمد حسن، و هاشمی، سیداحمدعلی. (۱۴۰۵). بررسی موجبات و مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از وظایف حرفه‌ای مشاوران روانشناس. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۴(۴)، ۱-۱۶.



امروزه دیگر نمی‌توان روانشناسی را تنها خدمت به بیماران روانی و درمان اختلالات آنها دانست، بلکه خدمات روانشناسی و مشاوره‌ای را باید در عرصه‌های مختلف زندگی، اعم از انتخاب همسر و تربیت فرزندان گرفته تا انتخاب شغل و مهارت آموزی کاهش اضطراب و... در نظر گرفت؛ از این رو توجه و اقبال عمومی از یک سو و اهمیت و حساسیت این شغل در سرنوشت مراجعه کنندگان از سوی دیگر، مسئولیت مشاوران را مهمتر می‌کند. به دلیل آسیب پذیری شدید بیماران به جهت احساس اضطراب و عدم امنیت و ناتوانی از تصمیم گیری مشاوران باید محیطی مملو از صمیمیت، همدلی و درک متقابل ایجاد کنند که در بستر آن بتوانند ضمن جلب اعتماد بیمار به وی کمک کند تا به بهبودی برسد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مشاوره می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شود و اگر چنین است با چه شرایطی می‌تواند تحقق یابد؟ در پاسخ باید گفت: نظرات کارشناسی روانشناسان و مشاوران با توجه به اعتمادی که مردم به آنها دارند موجب می‌شود بیمار طبق دستورات مشاوره عمل کند، بنابراین مشاوره منشأ اثر است و باید گفت که تقصیر حرفه‌ای مشاور می‌تواند فرآیند مشاوره را به عمل زیانبار تبدیل کند و هرگاه مشاور از تعهدات خود در قبال بیمار تخطی کند، خواه ریشه آن نقض تعهد او در قبال تکالیف حرفه‌ای و یا عدم رعایت مقررات قانونی و اصول خاص باشد، مسئولیت مدنی برای مشاور ایجاد می‌شود.

با توجه به اینکه خدمات اصلی مشاوران ارائه مشاوره است، این تحقیق در صدد پاسخ به این سوال اساسی است که چه موجباتی باعث ایجاد مسئولیت مدنی برای مشاور می‌شود؟ و به طور کلی با روش توصیفی، تحلیلی سعی در تشریح پدیده‌های مورد نظر داشته و روابط حقوقی ناشی از این پدیده‌ها با استفاده از روش فوق تحلیل شده است.

## شناخت مفاهیم

### مفهوم مسئولیت مدنی

در لغت، مسئولیت به معنای تکلیف، وظیفه و آنچه که انسان عهده دار آن باشد، تعریف شده است (Delfani, 2003). همچنین در لغت نامه دهخدا در تعریف واژه مسئولیت آمده است «مصدر جعلی از مسئول، ضمانت، تعهد، مؤاخذة، مسئول بودن، موظف بودن به انجام امری و متعهد بودن است.» (Dehkhoda, 1966)؛ اما اصطلاح «مسئولیت مدنی» اصطلاحی حقوقی است که در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، ایجاد می‌شود (Katouzian, 2007).

در واقع مسئولیت مدنی عبارتست از: الزام شخص به جبران خسارتی که به دیگری وارد آورده است. مسئولیت مدنی زمانی بوجود می‌آید که کسی بدون مجوز قانونی، به حق دیگری لطمه زند و در اثر آن زبانی به او وارد آورد (Emami, 1973). بدین ترتیب، مسئولیت مدنی، همان الزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر ناشی از فعل مضرش به دیگری است.

اساسی ترین رکن مسئولیت مدنی ورود خسارت مادی یا معنوی به زیان دیده است و تا زبانی به شخص وارد نشود، بحث از مسئولیت مدنی کاملاً منتفی است.

در حقوق انگلستان، مسئولیت مدنی دارای معنایی عام<sup>1</sup> و هر نقص تعهدی را شامل می‌شود، اما در معنای خاص تر، شامل نقص قرارداد<sup>2</sup> می‌باشد (Hood & Hudson, 1988).

مسئولیت مدنی را می‌توان به دو شاخه «مسئولیت قراردادی» و «مسئولیت خارج از قرارداد یا قهری» تقسیم کرد.

اگر در اثر تأخیر یا عدم اجرای صحیح قرارداد و یا نقض قرارداد توسط متعهد ضرری به طرف دیگر وارد شود، مسئولیت، قراردادی است (Lorascha & Ashtari, 1996) این مسئولیت زمانی تحقق می‌یابد که شخص از تعهد قراردادی که با اراده و رضایت

<sup>2</sup>- trust

<sup>1</sup>- wrong

نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد تفاوت مشاور و روانپزشک است که نه تنها از نظر علمی، بلکه از نظر نوع و تعیین مسئولیت نیز حائز اهمیت است. روانشناسی شاخه‌ای از علوم انسانی است که هدف آن مطالعه رفتار و فرآیندهای ذهنی و پیشنهاد را حل‌های مناسب برای بهبود وضعیت مراجعه‌کننده و توان بخشی به اوست؛ عمر این رشته نسبتاً کوتاه است (کمی بیش از یک قرن)، اما رشد چشمگیری داشته است تا جایی که بیش از بیست رشته تخصصی را شامل می‌شود (Vaez Javadi, 2010). اما روانپزشک فردی است که برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مانند اسکیزوفرنی، شیدایی و روان پریشی دارو تجویز می‌کند و منحصراً توسط روانپزشکان و نه مشاوران انجام می‌پذیرد.

در قانون تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران مصوب (۱۳۸۲/۲/۹) مجلس شورای اسلامی تعریفی از مشاوره نشده است اما در تبصره یک ماده چهار آن قانون آمده است: «منظور از روان شناس کسی است که در یکی از رشته‌های روان شناسی در سطح کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شده باشد.» در ماده یک آیین‌نامه ضوابط تأسیس، انحلال و اداره مراکز غیر دولتی خدمات مشاوره و روان‌شناختی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۷ سازمان بهزیستی کشور، در تعریف مشاوره و خدمات روان‌شناختی آمده: «مشاوره و خدمات روان‌شناختی: عبارت است از کمک به فرد، خانواده یا گروه از طریق ارتباط بین بیمار و مشاور به‌منظور:

۱- درک مشکلات درون فردی و بین‌فردی.

۲- تصمیم‌گیری

۳- برنامه‌ریزی جهت انعکاس نیازها، علایق و توانایی‌های فردی، خانوادگی، شغلی و گروهی

۴- استفاده از منابع اطلاعاتی جامعه به‌منظور دستیابی به رشد شخصیتی، اجتماعی، عاطفی، تربیتی، روان‌شناختی و افزایش

سازگاری بیماران

خود بر عهده گرفته است، تخلف کند (Elliott & Quinn, 2004). در این فرض برای تحقق مسئولیت قراردادی، سه شرط ضروری است که عبارتند از: ایجاد ضرر، نقض تعهد ناشی از تقصیر و رابطه سببیت (Madani, 2004).

اما مسئولیت خارج از قرارداد خسارت ناشی از تخلف از وظایف قانونی است که برای عهده همه وجود دارد (Yazdaniyan, 2000). گاهی به این نوع مسئولیت، مسئولیت تقصیری نیز گفته می‌شود، زیرا اثبات تقصیر رکن اساسی تحقق این مسئولیت است (Jafari Langroudi, 1999).

مسئولیت مدنی مشاوران نیز باید مانند سایر مشاغل تخصصی در حوزه مسئولیت مدنی حرفه‌ای مورد بررسی قرار گیرد؛ البته ویژگی بارز مسئولیت مدنی حرفه‌ای دو بعدی بودن آن است، یعنی وقتی مشاور، استانداردهای فنی و علمی را رعایت نمی‌کند و باعث آسیب معنوی و روحی به بیمار می‌شود از یک طرف به تعهدات قراردادی خود عمل نکرده و مسئولیت قراردادی دارد و از طرف دیگر تعهدات شغلی خود را نقض کرده و مسئولیت قهری دارد. در موضوع پژوهش حاضر باید بررسی شود که آیا مشاوره می‌تواند موجب تحقق مسئولیت مدنی شود.

### مفهوم مشاوره

مشاوره به عنوان یکی از مشاغل مددکاری فرآیندی است که به فرد در حل مشکلات و تصمیم‌گیری صحیح و مناسب کمک می‌کند. در واقع هرگاه فرد در شرایط تحصیلی، کاری و خانوادگی با مشکلی مواجه شود که به تنهایی قادر به حل آن نباشد، باید از مشاوره با صلاحیت و تجربه علمی و عملی کمک گیرد تا برای او راه حلی بیابد (Shafie Abadi, 2010) مشاور به کسی گفته می‌شود که به بیمار کمک می‌کند تا مسائل مربوط به سلامتی را بشناسد و بفهمد و سپس راه حل و روش مناسب را انتخاب کند (Ahmadi, 2013).

معنای عدول از اصول نظامنامه اخلاقی حرفه‌های مشاوره و روانشناسی ۲ - عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات دولتی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و رعایت فنی و انطباق با سیستم‌های دولتی در کلیه مشاغل تخصصی الزامی است».

همانطور که در بند دوم ماده ۵۹ قانون مدنی آمده است. عدم رعایت موازین علمی و فنی و نظام‌های دولتی به عنوان یکی از شروط تحقق مسئولیت مدنی است (Shoja Pourian, 1994, 2010).

#### ۴- تعهد مشاوران در کسب صلاحیت و گسترش آن

یکی از الزامات حرفه مشاوره رعایت مقررات مربوط به صلاحیت می‌باشد صرف اخذ مدرک کارشناسی ارشد یا دکتری در رشته روانشناسی کافی نیست و باید مواردی را که قانون جهت تاسیس مراکز مشاوره و ارائه خدمات روان شناختی مقرر نموده رعایت نمود از طرف دیگر نباید عناوین علمی و یا روش‌هایی را که مورد تایید مراجع ذیربط جهت درمان یا حل مشکلات بیمار قرار نگرفته مورد استفاده قرار داد. همچنین در زمانی که حل مشکل بیمار یا درمان وی در حیطه تخصص روان شناس قرار ندارد روان شناس ملزم به ارجاع وی به مراکزی است که تخصص لازم را در آن زمینه دارند و نباید در این مورد مداخله نماید؛ در غیر این صورت زمینه‌های مسئولیت را برای خویش فراهم می‌سازد.

مشاور می‌بایست علاوه بر داشتن مدرک تحصیلی قابل قبول و کسب تجربه کافی، پروانه اشتغال نیز از مراجع مربوط دریافت دارد و نیز برای به روز کردن صلاحیت خود باید به‌طور مداوم در برنامه‌های جدید آموزشی و کسب مهارت‌ها، شرکت کند (Hosseini Nejad, 1991).

چنانکه در تبصره ۳ ماده ۴ قانون نظام روان شناسی مصوب ۱۳۸۲/۲/۹ مجلس شورای اسلامی آمده: «برای اشتغال در حرفه‌های روان شناسی و مشاوره، اخذ پروانه از سازمان و

۵- کمک به بیمار جهت شناخت، پذیرش و تغییر خود و شرایط زندگی» با این تعاریف از مشاوره و مشاور، مسئولیت‌هایی را که مشاور در رابطه با بیمار دارد روشنتر می‌گردد.

اما روانپزشکان چون پزشک هستند همچنان تابع قانون نظام پزشکی هستند و ملزم به وظایف و الزامات این قانون هستند.

#### مبنای مسئولیت مدنی حرفه‌ای مشاوران (تقصیر حرفه‌ای)

مراد از مبنای مسئولیت مدنی در حقوق این است که با تحقق چه شرط اساسی و مبنایی، مسئولیت مدنی محقق می‌شود. در اکثر نظام‌های حقوقی اساساً مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است؛ منظور از تقصیر تعدی و تخلف از رفتار انسانی متعارف در همان شرایط بیرونی حادثه است (Samavati, 1989). اما در خطای شغلی و حرفه‌ای استاندارد تقصیر تا حدودی متفاوت است. در مسئولیت‌های حرفه‌ای، تقصیر شغلی به قصور و تقصیری اطلاق می‌شود که صاحبان مشاغل در حین انجام وظیفه خود مرتکب می‌شوند، مانند تقصیر پزشک در معالجه یا جراحی، تقصیر وکیل در دفاع از دعوی، قاضی در صدور حکم، مشاور حقوقی در راهنمایی و معمار در ساختمان و... در اینگونه تقصیرات به نظر می‌رسد ملاک و معیار تقصیر یک فرد عادی نیست بلکه چون موضوع جنبه فنی و تخصصی دارد، ملک رفتار متعارف در صنف و شغل آن رشته می‌باشد. زیرا نباید یک وکیل یا یک پزشک مانند یک فرد عادی رفتار کند (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۸۹).

مسئولیت مدنی حرفه‌ای مبحثی جدید است که تحت تأثیر ضرورت همگام سازی حقوق با نیازهای اجتماعی ایجاد شده است و در زمینه برآورده کردن انتظارات جامعه از متخصصان شغلی در رشته حقوق جوانه زده است (Ghahramani, 2005).

مشاوران موظف به رعایت اصول حرفه‌ای خود هستند؛ در آیین‌نامه‌های قانون تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره در تعریف تخلف آمده: «تخلفاتی که موجب محکومیت اعضای سازمان می‌شود عبارتند از ۱- تخلف از شئون حرفه‌ای و صنفی به

شخصیت روان شناس و انگیزه بیمار در انتخاب اوست؛ لذا به دلیل تأثیر خاصی که اشتباه در عنوان و تخصص روان شناس و مشاور در صحت قرارداد ممکن است دنبال داشته باشد نظام نامه‌ها، روان شناسان و مشاوران را از به کار بردن هر نوع عنوان تخصصی تأیید نشده ممنوع نموده‌اند. استناد به قاعده‌ی غرور نیز برای توجیه مسئولیت مدنی روان شناس در مواردی که از عناوین تخصصی که در واقع فاقد آن است استفاده می‌نماید، به سهولت بیشتری صورت می‌گیرد.

در این میان رشد هویت شغلی برای مشاوران تازه کار بسیار مهم است؛ زیرا یک چارچوب مرجع برای درک زمینه انتخابی آنها فراهم و به حسن تعلق در مجامع حرفه‌ای و توسعه صلاحیتها و وفاداری به حرفه کمک می‌کند. در مقابل، فقدان هویت شغلی ممکن است پیامدهای منفی همچون آسیب رسانی به کیفیت خدمات مشاوره‌ای و سردرگمی منجر گردد.

نومشاوران میتوانند از یافته‌های این مطالعه در فرآیند رشد هویت استفاده کنند و برای درک و آماده سازی خود باچالش‌های بالقوه

آینده حرفه‌ای شان آماده شوند (Saeedi et al., 2023)

به طور کلی در اکثر نظام‌نامه‌ها به صلاحیت حرفه‌ای توجه ویژه‌ای شده است در بند الف از بخش «ج» نظام‌نامه اخلاقی و استانداردهای عملکرد مشاوره‌ای انجمن مشاوره آمریکا (ACA) (1995) آمده: «مشاوران تنها در حیطه صلاحیت‌هایشان بر اساس تحصیلات، تجربه‌ی تحت نظارت، آموزش، تأییدیه تخصصی ایالتی و دولتی و تجربه حرفه‌ای مناسب کار می‌کنند» یا در بند «ز» از همین بخش آمده: «مشاوران از ارائه یا پذیرش خدمات تخصصی زمانی که مشکلات عاطفی، ذهنی یا فیزیکی خودشان احتمال دارد به بیمار یا سایرین آسیب بزنند امتناع می‌ورزند.» این موارد در بخش صلاحیت اصول اخلاقی روان شناسی و نظام نامه رفتاری انجمن روان شناسی آمریکا (APA 2002) نیز آمده است

عضویت در آن الزامی است...» و در ماده ۵ آئین‌نامه قانون مزبور نیز شرایط متقاضیان تأسیس مراکز مشاوره تشریح گردیده است. بنابراین شخصی که بدون مجوز از مراجع مربوطه اقدام به خدمات روان شناسی و مشاوره می‌نماید در حقیقت فاقد صلاحیت لازم بوده و اینگونه تخلفات و مداخله‌های غیر قانونی در حرفه حساسی چون روان شناسی و مشاوره که با اساس شخصیت فرد، خانواده و بالتبع جامعه سرو کار دارد، می‌تواند خسارت‌های غیرقابل جبرانی به فرد یا جامعه وارد کند. متأسفانه بعضاً در گوشه و کنار دیده می‌شود که اشخاص فاقد مجوز یا با مجوزهای غیر مرتبط اقدام به مشاوره روان شناسی نموده و حتی در تابلوها و تبلیغات خود نیز ارائه انواع خدمات روان شناختی را درج می‌نمایند به طور مثال موسسه‌ای با مجوز متافیزیک در تبلیغات و تابلوهای خود ادعای ارائه همه نوع خدمات روان شناختی از قبیل خانواده درمانی، روان‌درمانی، مشاوره تحصیلی و حتی هیپنوتیزم را می‌نماید که وجود این مؤسسات، سیستم نظارتی قویتری را از طرف سازمانهای متصدی صدور پروانه می‌طلبد.

در بند ۱-۲ نظام نامه حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران آمده: «روانشناسان و مشاوران برای معرفی خود فقط از مدارج تخصصی و مدارک علمی که از دانشگاه‌های معتبر دریافت کرده اند استفاده می‌کنند و حق استفاده از عناوینی را که احراز نکرده‌اند، ندارند» به این موضوع در نظام نامه‌های سایر کشورها نیز توجه شده است. همچنین در ماده ۱۶ آئین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته آمده است: «شاغلان حرفه‌های پزشکی نباید از عناوین علمی و تخصصی که به تأیید وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نرسیده استفاده کنند.» زیرا شخصیت روان شناس یا مشاور یا روانپزشک یکی از عناصر اصلی و موثر در قرارداد فیما بین است و عنوان تخصصی یاد شده در کارت ویزیت و تابلو نیز معرف

<sup>2</sup> -American Psychological Association

<sup>1</sup> -American counseling Association

اسلامی بند ۱-۸ آمده: «روان شناسان و مشاوران خدماتی که صلاحیت آن را ندارند به همکاران واجد صلاحیت خود ارجاع می‌دهند».

در نظام نامه‌های اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران، نسبت به ارائه مشاوره و خدمات روان‌شناختی در قلمرو تخصصی روان‌شناس تأکید شده است. از جمله در نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روان‌شناسان و مشاوران جمهوری اسلامی ایران در بخش صلاحیت بند ۱-۱ آمده است: «روان‌شناسان و مشاوران در حیطه‌هایی به ارائه خدمات حرفه‌ای، پژوهشی و آموزشی می‌پردازند که صلاحیت لازم برای انجام دادن آنها را احراز کرده‌اند» یا در بند ۱-۳ آمده: «روان‌شناسان و مشاوران فقط روش‌های درمانی و مشاوره‌ای را که برای آنها آموزش دیده و در آنها تجربه پیدا کرده‌اند به کار می‌گیرند و از به کار بستن روش‌هایی که در آنها تجربه ندارند، خودداری می‌کنند.»، یا در بند ۱-۵ آمده: «روان‌شناسان و مشاوران همواره برای توسعه، روز آمد کردن صلاحیت و توانایی‌های حرفه‌ای خود تلاش می‌کنند»

همانطور که قبلاً بیان شد تخلف از نظام نامه اخلاق حرفه‌ای مطابق ماده ۱۹ قانون تشکیل سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره به عنوان تخلف، مستوجب مجازات انتظامی شناخته شده و در صورتی که منجر به خسارت به بیمار گردد می‌تواند به عنوان یکی ارکان مسئولیت مدنی روان‌شناسان و مشاور مطرح گردد.

**تعهد مشاوران به رازداری و حفظ اسرار خصوصی مراجعه کننده**

با توجه به اعتماد بیمار به مشاور، بیمار خصوصی‌ترین مسائل زندگی خود را به مشاور می‌سپارد و آماده است تا تمامی توصیه‌های مشاور را در زندگی خود به کار گیرد. افشای ایت اسرار نه تنها خود فرد، بلکه گاه سرنوشت خانواده یا بخش بزرگی از

همچنین در بند الف نظام نامه اخلاقی انجمن مشاوره کانادا (CCA, 1999) آمده: «مشاوران خدمات و عملکرد مشاوره‌ای خود را به دلیل آموزش و تجارب حرفه‌ای تنها در حیطه صلاحیت‌های خود محدود می‌کنند که همسان با شرایط تأییدیه‌های ایالتی و ملی باشد. هنگامی که نیازهای مشاوره‌ای بیماران از سطح صلاحیت آنها خارج می‌شود بیماران را به متخصصان دیگر ارجاع می‌دهند.»

همچنین سایر نظام‌نامه‌ها از جمله نظام‌نامه اخلاقی و عملکرد مشاوران انجمن مشاوره بریتانیا<sup>۲</sup> (BCA, 1998)، نظام‌نامه اخلاقی و عملکرد مشاوره‌ای انجمن مشاوره و درمان ایرلند<sup>۳</sup> (IACT, 2000) و نظام‌نامه اخلاقی انجمن مشاوران نیوزیلند<sup>۴</sup> (NAC 1995) ضمن تشریح حدود صلاحیت، بر ارائه مشاوره در حیطه صلاحیت و قلمرو تخصصی مشاوران و روان‌شناسان تأکید دارند. به طور کلی کلیه نظام نامه‌های حرفه‌ای به پیامدهای قانونی عدم صلاحیت حرفه‌ای اشاره داشته و آن را برای انجام عمل مسئولانه تر و حمایت از رفاه بیماران و کسانی که از خدمات یاورانه استفاده می‌کنند لازم می‌دانند.

روان‌شناسان و مشاوران نباید در حوزه‌هایی که در آن تخصص و صلاحیت ندارند مداخله نمایند به عنوان مثال روان‌شناسان و مشاوران نمی‌توانند همانند روانپزشکان به بیمار دارو تجویز کنند یا بیمار را از مصرف دارویی که توسط پزشکان تجویز شده منصرف کنند یا اینکه چنانچه اگر در زمینه‌هایی مثل مشاوره استخدامی یا خانواده یا اقشار خاص، صلاحیت و توانایی لازم جهت مشاوره را ندارند باید از ارائه مشاوره خودداری نمایند و یا نباید به بیماران مشاوره حقوقی دهند و در این موارد باید بیماران را به همکاران واجد صلاحیت خود یا متخصصین مربوط هدایت نمایند چنانکه در بخش صلاحیت نظام نامه حرفه‌ای جمهوری

<sup>3</sup>- Trish Association for counseling and Therapy

<sup>4</sup>- New Zealand Association of counselors

<sup>1</sup>- Canadian Counseling Association

<sup>2</sup>- British counseling Association

مشاور از قدرت و نفوذ خود بر روی او و در صورتی که او را فریب داده و با بیمار رابطه غیرحرفه‌ای برقرار کند و از این حیث باعث آسیب به بیمار شود، مشاور علاوه بر تخلف، مسئولیت مدنی نیز دارد و ملزم به جبران خسارت خواهد بود و در مواردی مانند داشتن رابطه جنسی و یا افشای آن علاوه بر مسئولیت‌های فوق دارای مسئولیت کیفری نیز خواهد بود.

حفظ اسرار و رازداری مختص مشاوران نیست بلکه قانونگذار ایران در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی این تکلیف را برای همه مشاغل حرفه‌ای پیش بینی کرده و آورده است: «پزشکان، جراحان، داروفروشان و کلیه کسانی که به منظور انجام امور محرمانه می‌شوند. در صورتی که اسرار اشخاص را جز در موارد قانونی فاش کنند به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال یا یک میلیون و پانصد هزار ریال و تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» بنابراین این الزام ریشه قانونی دارد و به نظم عمومی مربوط می‌شود (Shoja Pourian, 1994, 2010).

البته اعتماد عنصر اصلی ارتباط بین مشاور و بیمار است. بیمار برای حل مشکل و حفظ سلامت خود رازهای خود را به مشاور می‌دهد و انتظار دارد که مشاور به حفظ این اسرار به عنوان یک راز پایبند باشد. رازداری محور توسعه اعتماد و ارتباط سازنده بین مشاور و بیمار است و مهمترین موضوع در رابطه مشاوره محسوب می‌شود. رازداری وسیله‌ای برای امنیت و حفاظت از حریم خصوصی بیمار است و از استقلال بیمار حمایت می‌کند. از آنجایی که درمان واقعی مستلزم اعتماد بیمار به مشاور خود است، مشاوران باید مسئولیت رازداری در حرفه خود را بر عهده بگیرند.

همچنین بر اساس آیین نامه حرفه‌ای مشاوران، روانشناسان و مشاوران باید از دریافت هرگونه اطلاعات غیرضروری خودداری کرده و در خصوص اسرار بیماران احتیاط لازم را به عمل آورند که در بند ۱-۴ آیین نامه فوق آمده است: «روانشناسان و مشاوران احتیاط لازم را به عمل می‌آورند».

جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بنابراین لازم است روانشناس و مشاور ضمن تلاش صادقانه جهت درمان بیمار، بدون کسب رضایت بیمار از انتشار اسرار او خودداری نموده و حافظ اسرار بیمار باشد.

رابطه مشاور و بیمار رابطه خاصی است که توسط بیمار برای هدف خاصی برقرار می‌شود. بیمار با تمام وجود به مشاور اعتماد دارد و انتظار می‌رود مشاور در این رابطه محیطی امن ایجاد کند تا بتواند در آن محیط به مشکلات وی بپردازد. رابطه مشاور و بیمار رابطه‌ای برابر نیست و مشاور خواسته یا ناخواسته در موقعیت قدرت و نفوذ قرار می‌گیرد. او اغلب با بیمارانی کار می‌کند که در وضعیت بسیار شکننده و آسیب پذیری عاطفی قرار دارند و از آنجا که مشاور وقت خود را صرف گوش دادن و درک بیمار می‌کند، از دیدگاه بیمار، مشاور فردی مهربان، دلسوز و دوست داشتنی به نظر می‌رسد. در این وضعیت، قدرت مشاور و درک بیمار با یکدیگر ترکیب شده و بیمار را در برابر صمیمیت او، آسیب پذیر می‌کند. بنابراین باید محدودیت‌هایی در ارتباط بیمار و مشاور وجود داشته باشد تا این آسیب پذیری منجر به صدمه به بیمار نشود (Hosseini, 2008a, 2008b). اطلاعات محرمانه بیمار می‌تواند شامل روابط خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، تجاری و یا شخصی باشد، اما محدود به این روابط نیست.

در منشور اخلاق حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران آمده است: «روانشناسان و مشاوران از هرگونه سوء استفاده از روابط حرفه‌ای خود اجتناب می‌کنند». روانشناسان و مشاوران حرفه‌ای زمانی که بین علائق شخصی و ایفای نقش حرفه‌ای تضاد وجود دارد باید از پذیرش نقش حرفه‌ای خود اجتناب کنند و نباید وارد روابطی می‌شوند که با نقش حرفه‌ای آنها در تضاد باشد.

در خصوص مسئولیت مدنی مشاور، اگرچه ایجاد رابطه دوگانه مانند دوستی یا پذیرفتن هدیه و یا حتی ازدواج با بیمار به تنهایی نمی‌تواند موجب مسئولیت شود، اما در صورت سوء استفاده

۴. در صورتی که به وسیله قانون یا مراجعه کننده قانونی حکم شده باشد.»

بنابراین اگر مشاور در هنگام یا پس از مشاوره این مسئولیت حرفه‌ای خود را نقض کند، قطعاً زمینه مسئولیت خود را فراهم کرده و در صورتی که منجر به ضرر بیمار شود و بین ضرر و عدم رازداری رابطه سببیت برقرار شود، مسئولیت مدنی مشاور قطعی است و ملزم به جبران خسارت بیمار خواهد بود.

### تعهد مشاوران در تشخیص صحیح مشکل

افرادی که به مشاور مراجعه می‌کنند ممکن است افرادی با اختلالات روانی شدید یا خفیف یا افرادی باشند که فقط قصد اصلاح برخی الگوهای رفتاری یا بهبود روابط خانوادگی یا مشاوره تحصیلی یا شغلی و... را دارند و در هر مورد مشاور قبل از هر اقدامی باید در زمینه شناخت اختلال روانی مورد نظر و تشخیص دقیق دغدغه‌ها و مسائل او و عوامل محیطی مؤثر بر آن مهارت کافی داشته باشد. اگر قرار است مشاور در فرآیند خودیابی و رشد به بیمار کمک کند، بدون شک باید شناخت و آگاهی کافی از رفتار، روش‌های رفتاری و تحلیل آن‌ها و مهارت‌های شناختی و تحلیلی در زمینه روانشناسی داشته باشد. شاخه‌های مرتبط مانند روانشناسی اجتماعی نیز ضروری است (Shoja Pourian, 2010, 1994).

در زمینه اختلالات روانی، ابتدا مشاور باید تشخیص دهد که آیا این اختلالات در حیطه وظایف درمانی او قرار می‌گیرد یا اختلالاتی هستند که نیاز به دارو دارند و باید منحصراً توسط یک متخصص درمان شوند. ثانیاً باید در تشخیص دقیق نوع اختلال دقت کند، زیرا روش‌های درمانی مربوط به اختلالی که به اشتباه تشخیص داده شده می‌تواند صدمات جبران ناپذیری به بیمار وارد کند، مثلاً ممکن است در طی یک مصاحبه بدون رتبه بندی یک مشاور ممکن است یک فرد پارانوئید را افسرده یا یک فرد مبتلا به

همچنین به موجب نظام نامه حرفه‌ای روان‌شناسان ایران، روان‌شناسان و مشاوران باید از دریافت هرگونه اطلاعات غیر ضرور اجتناب نموده و احتیاطهای لازم را نسبت به اسرار بیماران به عمل آورند چنانکه در بند ۴-۱ نظام نامه فوق آمده: «روان‌شناسان و مشاوران برای محافظت از اطلاعات محرمانه بدست آمده در حوزه فعالیت‌های حرفه‌ای خود اقدام‌های احتیاطی لازم را به عمل می‌آورند.» یا در ماده ۴-۲ آمده: «روان‌شناسان و مشاوران برای ارزیابی، تشخیص، درمان و پژوهش فقط به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز می‌پردازند و از هرگونه دریافت اطلاعات اضافی اجتناب می‌کنند» و در بند ۴-۳ آمده: «روان‌شناسان و مشاوران در ثبت و گزارش اطلاعات به گونه‌ای عمل می‌کنند که امکان سوء استفاده از آن وجود نداشته باشد» و در بند ۴-۴: «روان‌شناسان و مشاوران قبل از ضبط صوتی یا تصویری جلسات، از بیماران، یا نمایندگان قانونی آنها رضایت نامه کتبی دریافت می‌کنند.»

بنابراین رازداری به عنوان یکی از اصول مسلم حرفه‌ای و به عنوان یک تکلیف قانونی می‌باشد و برای روانشناسان و مشاوران باید رعایت شود و در صورت عدم رعایت آن و ورود ضرر به مراجعه کننده می‌توان آن را یکی از موجبات مسئولیت مدنی دانست؛ البته گاه ممکن است مشاور به دستور دادگاه یا برای کارشناسی یا شهادت مجبور به افشای اسرار بیمار شود. همچنین در مواردی ممکن است بیمار در حضور مشاور به ارتکاب جرمی اعتراف کند و یا دیگران را تهدید کند و یا مشاور ظن قوی پیدا کند که فرد ممکن است به خود یا دیگران آسیب بزند، در این موارد وظیفه مشاور چیست؟ قانون بیان می‌دارد: «روان‌شناسان و مشاوران صرفاً در موارد زیر می‌توانند رازداری را نقض کنند:

۱. بنا به درخواست و رضایت بیمار یا قیم قانونی او، مشروط به اینکه افشای اطلاعات منافع بیمار را به خطر نیندازد.
۲. وجود خط جانی برای بیمار یا دیگران
۳. اختلال مسری کشنده مانند HIV و ایدز

مشاور به طور ناخودآگاه ایجاد می‌شود، این مشاوران باید در رعایت اصول حرفه‌ای این نوع مشاوره دقت بیشتری داشته باشند. منشور اخلاق حرفه‌ای ایران در بند ۲-۹ سه شرط را برای اظهارات مشاوران در این رسانه‌ها ذکر می‌کند: «مشاوران و مشاورانی که از طریق کتاب، مجلات، روزنامه، اینترنت، رادیو، تلویزیون و وسایل دیگر به مردم پیشنهاد یا توصیه می‌کنند. آنها باید مطمئن شوند که اظهارات ارسالی دارای شرایط زیر است:

۱. بر اساس دانش روانشناختی کنونی و تجربیات حرفه‌ای آنها باشد.

۲. با ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای روانشناسان و مشاوران سازگار باشد.

۳. به این معنا نیست که رابطه حرفه‌ای با مخاطب برقرار شده است.

در منشور اخلاقی انجمن مشاوره آمریکا (ACA 1995)، ضمن برشمردن دو شرط اول و سوم، آمده است: «دریافت کننده اطلاعات نباید به گونه‌ای تشویق شود که استنباط باثبات و پایداری داشته باشد. رابطه از مشاوره حرفه‌ای." زیرا اساساً فرآیند مشاوره مرحله‌ای دارد و برای حل مشکل باید تفسیر و ارزیابی صحیح از بیمار انجام شود که این امر مستلزم شناخت بیمار و عوامل محیطی مؤثر بر وی است (Ahmadi, 2013).

قطعا در برنامه‌های صوتی، از آنجایی که نمی‌توان به تشخیص درست دست یافت، مشاور نباید توصیه‌ها را به گونه‌ای ارائه کند که این توصیه‌ها، راه حل قطعی مشکل مراجعه کننده باشد، بلکه توصیه‌ها باید به عنوان راه حل‌های مفید و کلی ارائه شود و مراجعه کننده را به راه حلی خاص راهنمایی نکند، چه، با توجه به شخصیت و مسائل خاص مراجعه کننده باید مشاوره به صورت کاملاً تخصصی و مبتنی بر دانش روز باشد، در بند ۳-۹ آیین‌نامه حرفه‌ای ایران آمده است: «روانشناسان و مشاوران در مواردی که رسانه‌های گروهی، انجمن‌ها، گروه‌ها و افراد اطلاعات نادرستی

اختلال‌های روانی و توهم را مشکلات ارتباطی با همسر خود تشخیص دهد و سال‌ها فرد را با یک اختلال زیان آور درگیر کند. مصاحبه به عنوان رایج‌ترین روش ارزیابی و تشخیص در مشاوره بسیار حائز اهمیت است. مشاوران، اطلاعات لازم را برای درک مشکلات بیمار عمدتاً از راه‌های زیر به دست می‌آورند: ۱- مصاحبه ۲- مشاهده ۳- گزارش شخصی ۴- پرسشنامه ۵- آزمون روانشناسی ۶- سازمان شرح حال (Shoja Pourian, 2010). بنابراین اگر مشاور به دلیل عدم مهارت در ارزیابی و یا در تفسیر نتایج تست‌های روانشناسی ناموفق باشد، قطعاً قضاوت درستی در مورد مشکل بیمار نخواهد داشت.

در این مورد در نظام نامه اخلاق حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران در بند ۱-۵ آمده: «روان‌شناسان و مشاوران از آزمون‌های روان‌شناختی معتبر استفاده می‌کنند.»

و در بند ۲-۵: «روان‌شناسان و مشاوران فقط آزمون‌هایی را به کار می‌برند که قبلاً صلاحیت‌های لازم برای استفاده از آنها را کسب کرده باشند» و در بند ۴-۵: «روان‌شناسان و مشاوران اجازه نمی‌دهند که آزمون‌های روان‌شناختی توسط افراد فاقد صلاحیت اجراء، نمره‌گذاری و تفسیر شود و یا از نتایج آزمون‌ها سوء استفاده گردد.»

و در بند ۵-۷: «روان‌شناسان و مشاوران در تفسیر نتایج آزمون‌ها، اهداف ارزیابی و عوامل مختلف مرتبط با آن را، که ممکن است در قضاوت آزمون‌گر و تفسیر نتایج آزمون تأثیر گذار باشد (از قبیل توانایی انجام آزمون، ویژگی‌های بیمار، موقعیت اجرای آزمون، تفاوت‌های زبانی و فرهنگی)، در نظر می‌گیرند.»

نکته مهمی که باید اشاره کرد این است که در سال‌های اخیر تشخیص و ارائه مشاوره روانشناسی از طریق رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون و همچنین کتاب، مجلات، روزنامه، اینترنت و... بسیار رایج شده است و با توجه به تعداد زیاد مخاطبان این رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما و اعتمادی که به دلیل حضور

درد اطلاعات کاملی در مورد این فرآیند به دست آورد. رفتار با بیمار به گونه‌ای که احساس کند کمتر از روانشناسی نابرابر است، نوعی غفلت و تخطی از حقیقت است. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که بیماران اطلاعاتی در مورد مشاوران خود می‌خواهند. آنها دوست دارند بدانند که مشاوران آنها افرادی قابل اعتماد و متخصص هستند. در آیین نامه اخلاقی انجمن روانشناسی در خصوص رضایت یا رضایت آگاهانه از درمان، موارد زیر ذکر شده است:

(الف) مشاوران رضایت آگاهانه مناسب را برای درمان یا رویه‌ها با استفاده از زبانی که برای شرکت‌کنندگان قابل درک است، دریافت می‌کنند. محتوای رضایت آگاهانه با توجه به شرایط متفاوت خواهد بود و به هر حال رضایت آگاهانه عموماً این مفهوم را می‌رساند که شخص ۱- ظرفیت رضایت دارد ۲- از اطلاعات مهمی در مورد رویه‌ها مطلع شده است ۳- آزادانه و بدون تأثیر داشته است. موافقت شده و ۴- موافقتنامه به نحو مقتضی همراه با سند و مدرک ارائه شده باشد.

(ب) هنگامی که افراد از نظر قانونی قادر به دادن رضایت آگاهانه نیستند، مشاوران رضایت آگاهانه را از شخص دیگری که طبق قانون مجاز است دریافت می‌کنند.

(ج) مشاوران ۱- افرادی را که از نظر قانونی قادر به دادن رضایت آگاهانه از مداخلات پیشنهادی نیستند به نحوی متناسب با توانایی‌های روانشناختی فرد مطلع سازند، ۲- رضایت آنها را با آن مداخلات جلب کنند. و ۳- اولویت افراد و علایق آنها را در نظر می‌گیرند.

همچنین در آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روانشناسان و مشاوران جمهوری اسلامی ایران در این خصوص آمده است: بند ۶-۱: «روانشناسان و مشاوران قبل از هرگونه مداخله روانی، رضایت آگاهانه بیمار یا قیم قانونی او را کسب می‌کنند.» و در بند ۶-۲-

در خصوص صلاحیت، تخصص، توانایی، خدمات و اظهارات خود ارائه می‌کنند، باید سریعاً اقدام کنند. تا جایی که ممکن است و نسبت به اصلاح آن اقدام مقتضی انجام دهد.» با توجه به موارد فوق، اگر مشاور بدون رعایت مقررات حرفه‌ای یا موازین قانونی در رسانه‌های گروهی توصیه و اظهارنظری کند، می‌تواند از موجبات مسئولیت مدنی برای وی باشد.

### تعهد به کسب رضایت آگاهانه از بیمار

کسب رضایت یا رضایت آگاهانه در مشاوره و روان درمانی عمدتاً از مسائل مربوط به حقوق بیمار در حقوق پزشکی شروع شد و نظریه رضایت در حقوق پزشکی نیز نظریه جدیدی است که بر اصل آزادی فردی و احترام به استقلال اراده فرد بنا شده است. رضایت دلالت بر این دارد که هر فرد عاقل و بالغی حق دارد در مورد درمان یا روش درمانی که برای او توصیه شده، تصمیم بگیرد (Abbasi, 2013). هرگونه تضییع آزادی بیمار، یا تعدی بر بدن او، حتی اگر به نفع بیمار باشد، موجب مسئولیت کیفری و مدنی پزشک خواهد شد (Shoja Pourian, 1994).

قانونگذار در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی صراحتاً کسب رضایت از بیمار یا اولیای دم در اعمال جراحی و پزشکی را ذکر کرده و وجود چنین رضایتی را جز در موارد فوری و ضروری، لازم دانسته است. نباید با بیمار مانند یک کودک رفتار کرد یا آزادی انتخاب او نباید توسط متخصص سلامت روان سلب شود. از آنجایی که تأثیرات مشاوره به بیمار بستگی دارد، او باید تمام اطلاعات لازم را برای انتخاب آزادانه یا ادامه آن داشته باشد. عدالت مستلزم رضایت آگاهانه است زیرا عدالت آن است که همه مردم حق مدیریت زندگی خود را داشته باشند. عدالت حکم می‌کند که مشاوران صلاحیت تصمیم‌گیری افراد را بپذیرند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. همچنین عدالت به این معناست که مشاوران باید طوری با بیماران رفتار کنند که خودشان دوست دارند با آنها رفتار شود. هر فردی که به مشاوره مراجعه می‌کند تمایل

۲: "در مواردی که روانشناسی مشاور در دوره آموزشی حضور دارند، قبل از اخذ رضایت آگاهانه این موضوع اطلاع رسانی شود. و در بند ۶-۳: «در صورتی که روانشناس و مشاور بخواهد از روشی استفاده کند که از حمایت تحقیقاتی کافی در مورد بیمار برخوردار نیست، ابتدا باید روش مذکور را به وی اطلاع داده و رضایت کتبی او را جلب کند.»

### چگونگی جبران خسارت

مسئولیت مدنی با تحقق ارکان آن به وجود می‌آید و اثر آن جبران خسارت است، بنابراین، مسئول خسارت باید به جبران آن اقدام کند؛ لکن در غالب موارد، زیان‌دیده باید نسبت به اقامه دعوا اقدام نماید (Safaei, 2009). راه‌های جبران خسارت به طور کلی عبارتند از: اعاده وضع به حال سابق و دادن معادل.

بهترین شیوه جبران خسارت آن است که وضع زیان‌دیده کاملاً به حال پیش از ورود ضرر بازگردانده شود و این شیوه بر راه‌های جبران خسارت ترجیح دارد.. در خسارتهای معنوی غالباً امکان بازگرداندن به حالت پیشین وجود ندارد.

روانشناس مقصر مسئول جبران خسارات مادی و معنوی است که وارد کرده است. در مورد خسارت‌های مالی، هزینه‌هایی که فرد مراجعه کننده برای مداوای آسیب‌های روحی خود متحمل می‌شود نوعی ضرر محسوب شده و مشاور ملزم است که این هزینه‌ها را جبران نماید. ضررهای جسمی نیز متصور است به عنوان مثال ممکن مشاور در تشخیص اختلال روانی و افکار فعال مراجعه کننده اهمال نموده و باعث آسیب جسمانی به بیمار شود. در مواردی تعلق مشاور در شناخت مشکلات روحی و روانی مراجعان ممکن است باعث مرگ آنان شود و یا موجب گردد که آنان اموال خود و با دیگران را از بین ببرند و یا دست به عملی بزنند که باعث به وجود آمدن خسارت شود؛ علاوه بر این موارد ممکن است که به خاطر مشاوره‌های نادرست مشاور و یا تشخیص نادرست وی در ارتباط با مشکلات روانی، بیماری‌های روحی و

روانی مراجعه کننده تشدید شود و در نتیجه دامنه خسارات مادی و معنوی گسترش یابد. این خسارات مسلماً باید توسط مشاور که مقصر است جبران شود. در مواردی ممکن است مراجعه کننده دچار افسردگی شود و از کار بیفتد و در نتیجه قادر به انجام فعالیت‌های روزانه نباشد این خسارات نیز تحت عنوان خسارات عدم التفع قابل مطالبه است.

البته متأسفانه خسارات معنوی با پرداخت پول جبران نخواهد شد. مشکلی که در ارتباط با خسارت‌های معنوی وجود دارد این است که ارزیابی این خسارات مشکل است؛ به عنوان مثال، حیثیت یا آبروی از بین رفته به وسیله افشای سر را چگونه می‌توان جبران نمود. در واقع در جبران خسارات معنوی، آنچه که به زیان‌دیده پرداخت می‌گردد، بهای درد و رنج و حیثیت از دست رفته او نخواهد بود؛ بلکه صرفاً تسکین و مرهمی است بر آلام و ناراحتی زیان‌دیده.

### نتیجه‌گیری

حرفه‌ای روان‌شناسی و مشاوره به عنوان یک حرفه‌ی یاورانه در جهت تأمین اساسی‌ترین نیاز جامعه، یعنی تعادل و تأمین سلامت روان، مورد احترام، اعتماد و اطمینان همگان قرار دارد و این اعتماد صمیمانه می‌تواند در مواردی زمینه‌ساز آسیب‌های زیادی برای بیماران باشد و از طرفی برخورد مداوم روانشناس با تعارض‌ها و نگرانی‌های افراد، گاه‌ا استرس‌هایی را به روانشناس تحمیل می‌کند. نماید که درصد قصورهای حرفه‌ای را افزایش می‌دهد و از آنجائیکه در همه مکاتب حقوقی اصلی‌ترین وظیفه حقوق، جلوگیری از ارتکاب اعمال مضر و اتخاذ تدابیر لازم برای جبران خسارت ناشی از آن است. لذا بررسی موجبات مسئولیت مدنی، ضمن آگاهی لازم به روان‌شناسان در جهت وظایف قانونی شان در ارائه مشاوره، جامعه را نیز در دریافت مشاوره سالم یاری خواهد نمود. از مجموع مطالب این تحقیق مطالب ذیل نتیجه می‌شود:

داری حرفه‌ای و ایجاد روابط دوگانه، به عنوان مصادیقی از خطاهای حرفه‌ای که می‌تواند سبب مشاوره مضر و مسئولیت روان شناس گردد معرفی گردید. توصیه‌ها و راهکارهایی را که روان شناس، خارج از قلمرو تخصصی و بر خلاف مقررات و استانداردهای حرفه خود، ارائه می‌نماید نیز از مصادیق مشاوره‌های مضر بوده و می‌تواند زمینه مسئولیت مدنی روان شناسی را فراهم نماید.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### EXTENDED ABSTRACT

The growing expansion of psychological counseling services across contemporary societies has transformed counseling from a limited therapeutic intervention into a socially influential professional activity that directly affects individual decision-making, emotional stability, family relations, educational development, and occupational life. The professional authority granted to psychological counselors arises primarily from the trust that clients place in them, a trust grounded in perceived scientific expertise, ethical commitment, and psychological competence. This professional asymmetry between counselor and client creates a relationship characterized by dependency and vulnerability, in which the client often relies extensively on professional advice for resolving deeply personal difficulties. Within such a framework, counseling may function either as a constructive therapeutic process or, conversely, as a source of serious harm when professional standards are neglected. Civil liability therefore emerges as an essential legal mechanism to regulate professional conduct and to protect clients against harmful

اولاً اظهار نظرهای تخصصی روان شناس، به تبع اعتمادی که افراد معمولی نسبت به آنها از خود نشان می‌دهند، دارای مطلوبیت عمومی بوده و پس از انجام مشاوره اصل بر این است که مراجع مطابق مفاد مشاوره عمل نماید لذا مشاوره می‌تواند به عنوان یکی از موجبات مسئولیت مدنی تلقی گردد.

ثانیاً قصور حرفه‌ای روان شناس، تخلف وی از انجام تعهدات شغلی و حرفه‌ای است که در قانون معین شده است و این قصور می‌تواند فرایند مشاوره را به فعل زیان بار تبدیل کرده و زمینه مسئولیت مدنی وی را فراهم کند

مواردی از قبیل عدم صلاحیت حرفه‌ای، استفاده از عناوین علمی و تخصصی تایید نشده، قصور در تشخیص اختلالات روانی یا

مورد مشاوره، عدم اخذ رضایت آگاهانه از مراجع، عدم رعایت راز

counseling practices. The concept of responsibility itself has been understood linguistically as obligation and accountability (Delfani, 2003), while classical lexicographic interpretations emphasize commitment and duty toward another person (Dehkhoda, 1966). In legal doctrine, civil liability refers to the obligation imposed upon a person to compensate damages inflicted upon another individual (Katouzian, 2007). Such liability arises whenever unlawful interference with another's rights results in material or moral harm (Emami, 1973). Comparative legal perspectives indicate that civil liability may encompass both contractual breaches and broader failures of legal duty (Hood & Hudson, 1988). Contractual liability occurs when obligations voluntarily assumed are not properly fulfilled (Lorascha & Ashtari, 1996), and legal scholarship stresses the necessity of proving damage, breach, and causation for responsibility to arise (Madani, 2004). Conversely, non-contractual liability concerns violations of general legal duties owed to all individuals (Yazdaniyan, 2000), where fault constitutes the central element (Jafari Langroudi, 1999). Within professional

counseling, both dimensions frequently coexist, because failure to observe scientific standards simultaneously breaches contractual expectations and professional legal obligations. The expansion of counseling services into diverse social domains therefore necessitates systematic examination of when professional advice transforms into harmful conduct capable of generating civil liability.

The professional nature of counseling further clarifies the legal significance of responsibility. Counseling is defined as a structured assistance process aimed at helping individuals understand personal difficulties, make appropriate decisions, and achieve psychological adjustment (Shafie Abadi, 2010). The counselor's role involves facilitating self-understanding and guiding clients toward informed solutions (Ahmadi, 2013). Unlike psychiatrists who prescribe medication, counselors primarily employ psychological assessment and therapeutic communication, which requires specialized scientific training and ethical restraint (Vaez Javadi, 2010). Because counseling relies heavily on interpersonal influence rather than physical intervention, errors in professional judgment may produce profound emotional and psychological consequences. Modern legal systems therefore evaluate counselor conduct through the doctrine of professional fault, defined as deviation from the standard behavior expected from specialists operating under comparable circumstances (Samavati, 1989). Professional negligence differs from ordinary negligence because the benchmark is not the conduct of an average person but that of a competent practitioner within the same profession. Contemporary legal scholarship recognizes professional civil liability as an evolving field responding to societal reliance on expert services (Ghahramani, 2005). Failure to observe professional regulations, scientific guidelines, or governmental standards constitutes one of the conditions for liability

(Shoja Pourian, 1994, 2010). Counselors must therefore maintain verified qualifications, obtain professional licenses, and continuously update competencies through education and supervised practice (Hosseini Nejad, 1991). Professional identity development also plays a critical role in ethical service delivery, as inadequate professional identity may reduce service quality and increase risk of harmful interventions (Saeedi et al., 2023). The legal analysis of counseling responsibility thus rests upon evaluating whether the counselor possessed adequate competence and acted within the boundaries of recognized professional expertise.

Confidentiality represents another central pillar of professional counseling obligations and a major source of potential civil liability. Counseling relationships are inherently unequal, as emotionally vulnerable clients disclose intimate personal information while counselors occupy positions of authority and psychological influence. This asymmetry requires strict ethical limits designed to prevent exploitation and psychological harm (Hosseinian, 2008a, 2008b). Confidential information may encompass family relations, economic circumstances, social interactions, and deeply private experiences whose disclosure could produce severe personal or social consequences. Legal systems impose confidentiality duties not only through professional ethics but also through statutory obligations, recognizing secrecy as a matter of public order (Shoja Pourian, 1994, 2010). Breach of confidentiality may generate both disciplinary sanctions and civil liability when disclosure causes measurable harm. Trust functions as the foundation of therapeutic effectiveness; without assurance of secrecy, genuine communication becomes impossible and treatment outcomes deteriorate. Ethical rules therefore require counselors to collect only necessary information, maintain secure records, and obtain consent before recording

sessions or sharing data. Nevertheless, confidentiality is not absolute; disclosure may become permissible where imminent danger exists, where legal authorities require testimony, or where client consent is explicitly granted. Determining liability consequently depends upon whether disclosure occurred within legally justified exceptions or represented unjustified professional misconduct causing damage.

Accurate diagnosis and appropriate professional assessment constitute additional obligations directly connected to civil liability. Clients seek counseling with diverse psychological conditions ranging from mild adjustment difficulties to severe mental disorders. Before initiating intervention, counselors must demonstrate sufficient diagnostic competence and apply scientifically validated assessment methods (Shoja Pourian, 1994, 2010). Diagnostic procedures typically involve interviews, observation, self-reports, psychological testing, and structured case histories, each requiring technical expertise and careful interpretation. Misdiagnosis may lead to inappropriate therapeutic strategies, prolonged suffering, or even irreversible psychological damage. Ethical regulations therefore require counselors to employ validated instruments and restrict test administration and interpretation to qualified professionals. Contemporary developments, including counseling advice disseminated through mass media and online platforms, have intensified concerns about professional responsibility. Public recommendations must reflect current psychological knowledge and must not create the impression of individualized therapeutic relationships (Ahmadi, 2013). General advice delivered without personal assessment risks oversimplifying complex psychological conditions and may mislead vulnerable audiences. Accordingly, legal evaluation focuses on whether professional statements

exceeded legitimate informational boundaries and produced foreseeable harm.

Another essential professional duty involves obtaining informed consent, which originates in medical law but now constitutes a fundamental principle of psychological counseling. Informed consent reflects respect for individual autonomy and recognizes the client's right to make decisions concerning therapeutic interventions (Abbasi, 2013). Legal theory emphasizes that any interference with personal autonomy, even if intended for benefit, may create civil and criminal liability when performed without valid consent (Shoja Pourian, 1994). Effective consent requires that clients possess decision-making capacity, receive adequate information regarding procedures and risks, act voluntarily, and formally express agreement. Counselors must also secure consent from legally authorized representatives when clients lack legal capacity. Ethical regulations further require disclosure when experimental or insufficiently validated therapeutic methods are employed. The principle of informed consent transforms counseling from paternalistic intervention into collaborative therapeutic engagement, reinforcing accountability and protecting clients from coercion or manipulation. Failure to obtain valid consent undermines the legitimacy of professional intervention and establishes a strong basis for liability when resulting harm occurs.

Finally, civil liability culminates in the obligation to compensate damages once its constituent elements—fault, damage, and causation—are established. Legal doctrine identifies restoration of the injured party's prior condition as the preferred method of compensation, although such restoration is often impossible in cases involving psychological or moral harm. In practice, financial compensation serves as symbolic reparation rather than full restoration of dignity or emotional well-being (Safaei, 2009).

Counselors may become liable for material losses such as treatment expenses, loss of employment capacity, or additional medical costs resulting from negligent counseling. Physical injuries may also arise where misdiagnosis or professional negligence contributes to self-harm or dangerous behavior. Moral damages present greater evaluative difficulty because emotional suffering, loss of reputation, or violation of privacy cannot be precisely quantified. Compensation therefore functions primarily as partial consolation rather than true equivalence. The study ultimately demonstrates that psychological counseling, while fundamentally a helping profession aimed at promoting mental health, inherently carries legal risks due to the profound influence counselors exercise over vulnerable individuals. Professional negligence, lack of competence, breach of confidentiality, failure to obtain informed consent, inaccurate diagnosis, and deviation from professional standards may transform counseling into harmful conduct generating civil liability. The recognition of these responsibilities strengthens both legal protection for clients and professional awareness among counselors, contributing to safer therapeutic practices and reinforcing public trust in psychological services.

### References

- Abbasi, M. (2013). *Medical Disciplinary Liability* (Third Edition ed.). Legal Publications.
- Ahmadi, S. A. (2013). *Introduction to Counseling and Psychotherapy* (Fifth Edition ed.). University of Isfahan Publications.
- Dehkhoda, A. A. (1966). *Dictionary* (Vol. 43). University of Tehran Publications.
- Delfani, A. A. (2003). *Foundations of Criminal Liability in Islamic and French Law*. Boostan-e Ketab Publications.
- Elliott, C., & Quinn, F. (2004). *Tort Law* (Third Edition ed.). Pearson Education.
- Emami, S. H. (1973). Civil Liability. *Journal of the Faculty of Law of the National University of Iran*(1).
- Ghahramani, N. (2005). *Civil Liability of the Attorney at Law* (Second Edition ed.). Nasle Nikan Publications.
- Hood, P., & Hudson, A. H. (1988). *First Book of English Law* (8th Edition ed.). Sweet and Maxwell.
- Hosseini Nejad, H. G. (1991). *Civil Liability*. Shahid Beheshti Academic Center for Education, Culture and Research.
- Hosseinian, S. (2008a). Dual Relationships in Counseling and Its Potential Consequences. *News and Research in Counseling*(3 and 4).
- Hosseinian, S. (2008b). *Ethics in Counseling and Psychology* (Second Edition ed.). Kamal Tarbiat Publications.
- Jafari Langroudi, M. J. (1999). *Extensive Legal Terminology*. Ganje Danesh Publications.
- Katouzian, N. (2007). *Civil Law, Non-Contractual Obligations, Civil Liability* (Vol. 1).
- Lorascha, M., & Ashtari, M. (1996). *Civil Liability*. Hoghoughdan Publication.
- Madani, S. J. (2004). *Civil Law* (Vol. 3). Paydar Publications.
- Saeedi, M., Keshavarz Afshar, H., & Naeimi, E. (2023). Psychology: Counseling Research Journal. (87).
- Safaei, S. H. (2009). *New Concepts and Criteria in Civil Law*. Research Center Publications.
- Samavati, H. (1989). *Damages Resulting from Breach of Obligation in Iranian Law and Other Legal Systems*. Molavi Publications.
- Shafie Abadi, A. (2010). *Introduction to Guidance and Counseling* (Second Edition ed.). Roshd Publications.
- Shoja Pourian, S. (1994). *Civil Liability Arising from Medical Professional Error* (First Edition ed.). Ferdowsi Publications.
- Shoja Pourian, S. (2010). *Contractual Liability of the Physician Toward the Patient* (First Edition ed.). Ferdowsi Publications.
- Vaez Javadi, E. (2010). *Introductory General Psychology* (First Edition ed.). Karpi Publication.
- Yazdani, A. (2000). *Civil Law, The Scope of Civil Liability*. Adabestan Publication.